Scientific Quarterly of Research on Addiction, Vol. 20, No. 79, P 59-84, Spring 2026

Research Article

The Mediating Role of Personality Organization in the Relationship Between Attachment Styles and Addiction Susceptibility

Hossein Mohagheghi[1], Marzieh Barazandeh[2], Mehran Farhadi[3], Shahriar Yarmohamadi Vasel[4]

Received: 2024/02/02 Accepted: 2026/06/12

Abstract

Objective: The present study was conducted to investigate the mediating role of personality organization in the relationship between attachment styles and addiction susceptibility among university students. **Method:** This study employed a descriptive-correlational design using path analysis. The statistical population comprised all female students residing in dormitories at Bu-Ali Sina University, Hamadan, during the 2022-2023 academic year. From this population, 295 participants were selected via convenience sampling and completed the attachment style questionnaire, Kernberg's inventory of personality organization scale, and the addiction susceptibility questionnaire. Data analysis was performed using path analysis. **Results:** The results indicated that secure attachment had a significant negative direct effect on addiction susceptibility, whereas anxious attachment exerted a significant positive direct effect. However, avoidant attachment did not show a significant direct effect on addiction susceptibility. Both avoidant and anxious attachment styles demonstrated significant indirect effects on addiction susceptibility through the mediating role of personality organization dimensions (psychological defenses, identity diffusion, and reality testing). Conversely, secure attachment did not show a significant indirect effect on addiction susceptibility through these mediators. **Conclusion:** It is concluded that levels of personality organization serve as a crucial underlying mechanism linking insecure attachment styles to addiction susceptibility.

Keywords: Addiction susceptibility, Attachment styles, Personality organization

1. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.
2. Ph.D. student, Department of Psychology, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.
4. Corresponding Author: Professor, Department of Psychology, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. Email: yarmohamadivasel@basu.ac.ir

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی، سال بیستم، شماره هفتاد و نهم، ص۸۴-۵۹، بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

نقش میانجی سازمان شخصیت در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و استعداد اعتیاد

حسین محققی[۱]، مرضیه برازنده[۲]، مهران فرهادی[۳]، شهریار یارمحمدی واصل[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی سازمان شخصیت در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و استعداد اعتیاد در دانشجویان به انجام رسید. **روش:** پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی با استفاده از روش تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش شامل همه دانشجویان دختر خوابگاهی دانشگاه بوعلی سینا همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند که از این بین ۲۹۵ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های سبک دلبستگی، سازمان شخصیت کرنبرگ و استعداد اعتیاد پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر انجام شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که دلبستگی ایمن اثر مستقیم منفی معناداری بر استعداد اعتیاد داشت، در حالی که دلبستگی اضطرابی اثر مستقیم مثبت معناداری بر استعداد اعتیاد داشت. بر هر حال، دلبستگی اجتنابی اثر مستقیم معناداری بر استعداد اعتیاد نداشت. سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی بر استعداد اعتیاد از طریق نقش میانجی سطوح سازمان شخصیت (دفاع‌های روان‌شناختی، سردرگمی هویت و آزمون واقعیت) اثر غیر مستقیم معناداری داشتند، در حالی که دلبستگی ایمن اثر غیر مستقیم معناداری بر استعداد اعتیاد از طریق نقش میانجی سطوح سازمان شخصیت نداشتند. **نتیجه‌گیری:** نتیجه‌گیری می‌شود که سطوح سازمان شخصیت نقش زیربنایی مهمی در مرتبط کردن سبک‌های دلبستگی ناایمن بر استعداد اعتیاد دارند.

کلیدواژه‌ها: استعداد اعتیاد، سبک دلبستگی، سازمان شخصیت

۱. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۳. استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۴. نویسنده مسئول: استاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. پست الکترونیک: yarmohamadivasel@basu.ac.ir

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

مقدمه

اعتیاد[1] بیماری مزمنی است که روزانه هزینه‌های روان‌شناختی، محیطی و اجتماعی زیادی را بر فرد، خانواده و اجتماع تحمیل می‌کند. اعتیاد پدیده‌ای است که بیش از پیش تهدیدی برای نسل امروز و فردا می‌باشد و این امر تقریباً درد جدیدی است و روزی نیست که سمینارها و کنفرانس‌هایی با شرکت عده‌ای صاحب‌نظران دنیا در زمینه‌های جرم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی تشکیل نگردد و در پی از بین بردن این درد بی‌درمان نباشند (شریفی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰). اعتیاد افراد را ناکارآمد می‌سازد و توانایی آنان را برای سامان‌دهی امور خویش، اداره زندگی شخصی و خانوادگی دچار اختلال می‌کند. این مسئله بدان علت است که با مصرف مواد مخدر فرد وابسته به مواد حرمت ارزش‌های اخلاقی را زیر پا گذاشته و در نتیجه با پرخاشگری موجبات آزار دیگران را فراهم آورده و در نهایت دست به جرائم و جنایات آشکار یا پنهان مالی یا جانی می‌زند (غلامی‌آبیز و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین، فرد وابسته به مواد به علت اینکه پا را فراتر از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی گذاشته منحرف تلقی می‌شود. در ضمن، وابستگی به مواد مخدر یک بیماری جسمی و روانی به شمار می‌رود که به دلیل ماهیت پیشرونده آن بر روی همه ابعاد زندگی از جمله سلامتی فرد، خانواده و جامعه تأثیر می‌گذارد (آسمانی کناری و همکاران، ۱۳۹۸).

اعتیاد در ایران در دهه‌های اخیر روند رو به رشدی داشته است. جدیدترین آمارهای ارائه شده حاکی از آن است که دو میلیون فرد وابسته به مواد و شش میلیون مصرف‌کننده تفننی در ایران وجود دارد، اما با توجه به شواهد موجود برآورد می‌شود که تعداد افراد وابسته به مواد بسیار بیشتر از این است و اگر میانگین تعداد خانوار را در ایران پنج نفر در نظر بگیریم حداقل ده میلیون نفر در معرض گرایش به اعتیاد قرار دارند (فلاح و همکاران، ۱۳۹۷). به همین خاطر است که شیوع مصرف مواد در ایران بسیار بالا برآورد شده، به طوری که صرامی و همکاران (۱۳۹۲) ایران را بالاترین مصرف‌کننده مواد در جهان با توجه به جمعیت آن دانسته‌اند. استعداد به اعتیاد تحت تأثیر متغیرهای بسیاری قرار دارد. بر

1. addiction

سال بیستم، شماره ۷۹، بهار ۱۴۰۵
Vol. 20, No. 79, Spring 2026

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

اســـاس پژوهش‌های انفعال و همکاران (۱۴۰۰) و ارباب و همکاران (۱۳۹۸)، ســـازمان شخصیت[1] یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر روی استعداد اعتیاد در افراد است. با توجه به شیوع اعتیاد در بین دختران در جامعه امروز و بروز مشکلات شخصیتی در ایشان، محقق لازم دانست به اهمیت اعتیاد در میان دختران بپردازد.

کرنبرگ[2] (۱۹۶۷) نظریه روان تحلیلی سازمان شخصیت را توسعه داد (اسمیت[3]، ۲۰۱۸). کرنبرگ در تبیین سازمان شخصیت در روابط موضوعی با تمرکز بر تجارب کودکی و اثرات آن بر ادراک فرد از خود و روابطش با دیگران تأکید نموده و شخصیت را حاصل درونی‌سازی روابط اولیه‌ای می‌داند که ظرفیت ایگو[4] را شکل داده و مکانیسم‌های دفاعی[5] را به راه می‌اندازد (کرنبرگ و یئومانس[6]، ۲۰۱۳). بنابراین، باید اذعان کرد که نظریه کرنبرگ مبتنی بر این ایده است که اولین تجربیات افراد الگوهای بین فردی ناهشیاری[7] را ایجاد می‌کند که در طول زندگی ادامه می‌یابد (اسمیت، ۲۰۱۸). کرنبرگ سازمان شخصیت را در سه سطح نوروتیک[8]، مرزی[9] و سایکوتیک[10] متمایز می‌کند و عنوان می‌کند که هر یک از این سطوح از لحاظ ابعاد آزمونگری واقعیت، یکپارچگی هویت و مکانیسم‌های دفاعی متمایز از هم عمل می‌کنند (حنیف[11] و همکاران، ۲۰۱۹).

کسانی که در سطح نوروتیک سازمان شخصیت قرار دارند دارای یک احساس کاملاً مشخص از خود و در نتیجه روابط کامل و پیچیده با دیگران هستند. آنها تمایل دارند از مکانیسم‌های دفاعی بالغ‌تری مانند والایش[12]، عقلانی‌سازی[13] و دلیل‌تراشی[14] استفاده کنند. ظرفیت آنها برای سنجش واقعیت پایدار است. در نتیجه، توانایی تشخیص آنچه واقعی است از آنچه نیست را دارند. افرادی که در سطح نوروتیک قرار دارند اغلب گرایش زیادی به سمت زندگی دارند و به طورکلی قادر به پروراندن آرزوها و اهداف واقع‌بینانه

1. personality organization
2. Kernberg & Yeomans
3. Smith
4. ego
5. defense mechanisms
6. Davidson & Ireland
7. unconsciousness
8. neurotic
9. borderline
10. psychotic
11. Hanif
12. sublimation
13. intellectualization
14. rationalization

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

خویش هستند. این افراد ممکن است در زمینه‌های عشق و کار دچار کشمکش‌ها یا تعارضاتی باشند، اما در بقیه موارد از نظر اجتماعی به خوبی سازگار هستند. در حالی‌که، افراد در سطح نوروتیک دارای هویت‌های یکپارچه هستند. افرادی که در سطح مرزی سازمان شخصیت قرار دارند دارای احساسی پراکنده از خود هستند. آنها اغلب بین حفظ مرزهای بین خود و دیگران و تلاش برای تمایز خود از دیگران در نوسان هستند (اسمیت، ۲۰۱۸). سازمان شخصیت مرزی با بی‌ثباتی فوق‌العاده عاطفه، خلق، رفتار و مشکلات مربوط به روابط موضوعی مشخص شده و این افراد آسیب‌پذیر، سردرگم و دفاع‌های ناکارآمدی را بکار می‌برند (میلون[1] و همکاران، ۲۰۱۲). در نتیجه، افراد دارای سازمان شخصیت مرزی در ادغام جنبه‌های مثبت و منفی خود و دیگران در قالب یک احساس منسجم از خود مشکل دارند. آنهایی که در سطح مرزی سازماندهی شده‌اند از مکانیسم‌های دفاعی بدوی خصوصا دوپاره‌سازی استفاده می‌کنند (اسمیت، ۲۰۱۸). بنابراین، سازمان شخصیت به عنوان شاخصی برای تشخیص سطح آسیب کلی امکان پیش‌بینی مرضی را فراهم می‌نمایند. چنان که تکالیف تحولی مهمی نظیر اعتماد و خودمختاری در دوران کودکی به خوبی شکل نگیرد فرد را به سوی اختلالات روانی و مصرف مواد سوق می‌دهد (گابر و ابولفتاح[2]، ۲۰۱۶؛ فیشر[3] و همکاران، ۱۹۹۸). بر اساس پژوهش‌های خسروی و کسائیان (۲۰۲۰)، ارونسون[4] و همکاران (۲۰۰۶) و لوی [5] (۲۰۰۵)، شخصیت مرزی و نوروتیک (روان‌رنجور) با سبک‌های دلبستگی رابطه دارند. همچنین، بر اساس پژوهش‌های حفاظی طرقبه و فکریان آرانی (۱۴۰۳)، شاکری و همکاران (۱۴۰۴)، فلچر[6] و همکاران (۲۰۱۵)، سیهان[7] و همکاران (۲۰۱۴)، و دیویدسون و ایرلند[8] (۲۰۰۹) میان سبک‌های دلبستگی ناایمن و اعتیاد به مواد مخدر رابطه وجود دارد. از این رو، مطابق پژوهش‌های انجام شده می‌توان به مدلی دست یافت که در آن سازمان شخصیت میان

1. Millon
2. Gaber &Abelfatah
3. Fisher
4. Aaronson
5. Levy
6. Fletcher
7. Cihan
8. Davidso & Ireland

سال بیستم، شماره ۷۹، بهار ۱۴۰۵
Vol. 20, No. 79, Spring 2026

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

سبک‌های دلبستگی و استعداد اعتیاد نقش میانجی‌گری ایفا می‌کند (دیویدسون و ایرلند، ۲۰۰۹).

بر اساس نظریه بالبی، دلبستگی[1] به پیوند عاطفی بین افراد و مراقبانشان در سال‌های اولیه زندگی اشاره دارد. این پیوند منجر به شکل‌گیری الگوهای کار درونی مثبت و منفی در ارتباط با خود و دیگران می‌شود. این مدل‌ها تقریباً تا بزرگسالی ثابت می‌مانند و سبک دلبستگی فرد را تعیین می‌کنند. به طور سنتی، آینزورث سه سبک دلبستگی اولیه را در کودکان و بزرگسالان به عنوان سبک‌های ایمن[2]، ناایمن اجتنابی[3] و ناایمن مضطرب/دوسوگرا[4] معرفی می‌کند. افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند با دیگران احساس نزدیکی می‌کنند و می‌توانند به آنها اعتماد کنند. افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی در دوران کودکی مراقبانی در دسترس ندارند. این افراد علاقه‌ای به صمیمیت ندارند و برای استقلال و جدایی بیش از حد ارزش قائل هستند. افراد دارای سبک دلبستگی مضطرب/دوسوگرا در دوران کودکی مراقبانی غیر قابل پیش‌بینی دارند. این افراد به‌شدت تمایل به برقراری روابط نزدیک دارند، از طردشدن می‌ترسند و اغلب معتقدند دیگران به اندازه کافی صمیمی نیستند (خسروی و کسائیان، ۲۰۲۰). طبق تحقیقات قبلی، سبک دلبستگی یک عامل خطر عمومی در آسیب‌شناسی روانی است. شواهد همچنین حاکی از آن است که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در مقایسه با افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن دامنه محدودتری از علائم آسیب‌شناختی روانی و سطح بالاتری از عملکرد روانی اجتماعی را در طول زندگی خود نشان می‌دهند (استپ[5] و همکاران، ۲۰۰۸). در رویکرد روابط ابژه، تعاملات مثبت اولیه کودک با مراقب خود به فرد این اجازه را می‌دهد تا به طور معقولانه با محیط خود ارتباط برقرار کند و عواطف خود را بر اساس دلبستگی ایمن تنظیم کند، درحالی‌که تجربیات منفی اولیه یا آسیب‌زا در دوران کودکی می‌تواند منجر به اختلال در رشد ابژه‌های درونی شده سالم شود. این مسئله به نوبه

1. attachment
2. secure attachment style
3. avoidant attachment style
4. anxious attachment style
5. Stepp

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

خود منجر به سازمان شخصیت پایین و غلبه سبک‌های دلبستگی ناایمن می‌شود که کاهش عملکرد هیجانی را در زندگی بزرگسالی پیش‌بینی می‌کند (بورگات[1] و همکاران، ۲۰۲۲). به طـور کلی، مصرف مجدد مـواد ممکن است یکـی از شیوه‌های جبرانی برای مقابله با سبک‌های دلبستگی ناایمن و سازمان شخصیت ناپایدار محسوب شود.

آسیب‌های دوران کودکی نشان از نقـص در امنیـت دارد و محـدود بـه روابـط بین فردی نمی‌شود، بلکه در ظرفیت و توانمندی ایگو نیز ظهور می‌یابد. بدین شکل که فرد در واقعیت‌سنجی و تمایز ادراک و واقعیت مشکل دارد. همچنین، در درک احساسات خود و دیگران به صورت سـردرگمی هویـت و آنچـه در سـازمان شخصیت مرزی است مشاهده می‌شود تظاهر می‌کند (ارباب و همکاران، ۱۳۹۸). از نظر کرنبـــرگ، افرادی که در سطح سـازمان شـخصـیت مرزی قرار می‌گیرند به دلیل پرخاشـگری افراطی و ناتوانی در تحمل ناکامی یـا بـه علت تروماهای شدید اولیـه در یکپارچـه کـردن جنبه‌های خوب و بد خود و ابژه ناتوان‌اند (سامرز[2]، ۲۰۲۴). از این منظـر، می‌توان استعداد اعتیاد را ریشه در یک مشکل زیربنایی شخصیتی در رابطه با اینکه خودش کیست، با چه کسی و چطور می‌خواهد وارد رابطه باشد یا نباشد، احسـاس پـوچی، روابـط ناپایدار و به صورت نقص در کنترل تکانه و بـــه شـــکل استعداد اعتیاد تبیین نمود (کرنبرگ و یئومانس، ۲۰۱۳). همچنین، در رابطه سـازمان شـخصـیت نوروتیک باید اذعان کرد که این افراد به دلیل داشـتن سـبک دلبسـتگی اجتنابی تمایل بیشتری به استفاده از راهکار ناسازگارانه سرکوب دارند. در واقع، این افراد به دلیل عدم ابرازگری عاطفی-هیجانی (بورگات و دیگران، ۲۰۲۲) در روابط خویش به خصـوص روابط عاشـقانه دچار تعارض شـده (اسـمیت، ۲۰۱۸) و با کناره‌گیری اجتماعی زمینه را برای آسیب‌پذیری نسبت به اعتیاد در خویش فراهم می‌آورند (چالان[3] و همکاران ۲۰۱۷).

1. Burgkart
2. Summers
3. Chalana

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

با توجه به مطالب گفته شـــده، تاکنون پژوهش‌هایی در رابطه با ارتباط ســـبک‌های دلبستگی و سازمان شخصیت با اعتیاد به مصرف مواد مخدر به انجام رسیده است، اما هیچ پژوهشی به بررسی نقش میانجی سازمان شخصیت در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و استعداد اعتیاد در بزرگسالان نپرداخته است. همچنین، با توجه به افزایش فزاینده افراد مبتلا به مصرف مواد مخدر و اهمیت در نظر گـــرفتن آسیب‌های دوران کـــودکی و نقـــش ســـــازمان شخصـــــیت در پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد، انجام چنین پژوهشی بسیار ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، با توجه به مطالب مورد بحث، پژوهشگر در این پژوهش بدنبال پاسـخگویی به این سـوال بود که آیا سـازمان شـخصـیت در رابطه بین سـبک‌های دلبستگی و استعداد به اعتیاد بزرگسالان دارای نقش میانجی می‌باشد؟

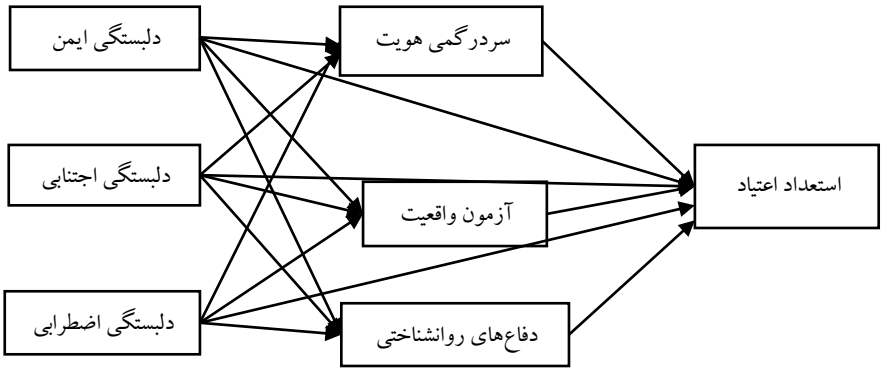

شکل۱ : مدل نظری پژوهش

روش

جامعه، نمونه، و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضـــر توصـــیفی-همبســـتگی بود. جامعه آماری پژوهش شـــامل همه دانشـجویان دختر خوابگاهی دانشـگاه بوعلی سـینا همدان در سـال تحصـیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود. از این بین، ۲۹۵ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. بر اساس نظر میرز و همکاران (۱۳۹۹)، حداقل نمونه در پژوهش‌های معادلات سـاختاری و تحلیل مسـیر ۲۰۰ نمونه اســـت که محقق جهت بالا بردن اعتبار آزمون آن را به ۲۹۵ نفر افزایش داد. معیار ورود به پژوهش شـامل دانشـجویانی بود که رضـایت آگاهانه برای شـرکت در پژوهش را

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

داشتند و دارای مشکلات روان‌شناختی تشخیص داده شده توسط پزشک یا روان‌شناس نبودند. معیار خروج نیز شامل کسانی می‌شد که به شکل ناقص به سئوالات پرسش‌نامه‌ها پاسخ داده بودند. علاوه بر رضایت آگاهانه، رعایت اصل رازداری دیگر ملاک اخلاقی رعایت شده در پژوهش بود. در این پژوهش، جهت بررسی رابطه خطی بین متغیرها از همبستگی پیرسون در نرم‌افزارSPSS-22 استفاده شد. برای بررسی مدل نیز از روش تحلیل مسیر در نرم‌افزار Lisrel-8.8 استفاده شد.

ابزار

۱- پرسش‌نامه سازمان شخصیت[1]: پرسش‌نامه سازمان شخصیت توسط کرنبرگ و کالیگور[2] (۲۰۰۵) به منظور سنجش سازمان شخصیت طراحی و تدوین شده است. این پرسش‌نامه دارای ۳۷ گویه و ۳ مؤلفه شامل دفاع‌های روان‌شناختی نخستین (۱۰ گویه)، سردرگمی هویت (۸ گویه)، و آزمون واقعیت (۱۹ گویه) می‌باشد. هر گویه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱ = کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. کرنبرگ و کالیگور (۲۰۰۵) ضرایب اعتبار برای کل سیاهه و ابعاد دفاع‌های روان‌شناختی نخستین، سردرگمی هویت و آزمونگری واقعیت را به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۲، ۰/۶۸ و ۰/۹۱ گزارش کرده‌اند. روایی همزمان سیاهه سازمان شخصیت از طریق اجرای همزمان پرسش‌نامه باس- پری و مقیاس عاطفه مثبت و منفی بررسی گردیده و تایید شده است. در ایران، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش فرجاد و همکاران (۱۳۹۲) برای این پرسش‌نامه ۰/۷۵ برآورد شد. در مطالعه شاکر (۱۳۹۷)، پایایی پرسش‌نامه ۰/۸۱ محاسبه شد. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۰/۷۵ بدست آمد و برای ابعاد دفاع‌های روان‌شناختی نخستین، سردرگمی هویت و آزمونگری واقعیت به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۱ و ۰/۷۱ بدست آمد.

1. personality organization questionnaire
2. Caligor

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

۲- پرسش‌نامه استعداد اعتیاد[1]: این مقیاس توسط وید و بوچر[2] (۱۹۹۲) ساخته شد و توسط زرگر (۱۳۸۵) با توجه به شرایط روانی - اجتماعی جامعه ایرانی تدوین شد. این پرسش‌نامه از دو عامل تشکیل شده و دارای ۳۶ گویه به اضافه ۵ گویه دروغ‌سنج می‌باشد. این پرسش‌نامه ترکیبی از دو عامل آمادگی فعال و آمادگی منفعل می‌باشد. نمره‌گذاری هر گویه بر روی یک طیف لیکرت ۴ درجه‌ای از صفر (کاملاً مخالفم) تا ۳ (کاملاً موافقم) می‌باشد. البته این شیوه نمره‌گذاری در برخی سؤالات به صورت معکوس است. دامنه نمرات از ۰ تا ۱۰۸ است و نمرات بالاتر به منزله آمادگی بیشتر فرد برای اعتیاد می‌باشند. وید و بوچر (۱۹۹۲) روایی این پرسش‌نامه را ۰/۹۰ و آلفای کرونباخ آن را ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در پژوهش زرگر و همکاران (۱۳۸۵) روایی این مقیاس ۰/۸۸ و آلفای کرونباخ ۰/۹۰ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ ۰/۷۵ بدست آمد.

۳- پرسش‌نامه سبک دلبستگی[3]: این پرسش‌نامه در سال ۱۹۹۰ توسط کولینز و رید[4] به منظور بررسی سبک‌های دلبستگی در بزرگسالان ساخته شد و در سال ۱۹۹۶ نیز مورد بازبینی قرار گرفت. این پرسش‌نامه دارای ۱۸ گویه در سه خرده‌مقیاس دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا است و هر خرده‌مقیاس دارای شش گویه است. جواب هر گویه به صورت طیف لیکرت پنج درجه‌ای از به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد = نمره ۰ تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد = نمره ۴ می‌باشد. کولینز و رید (۱۹۹۶، به نقل از پاکدامن ۱۳۸۰) روایی آن را ۰/۸۰گزارش کردند و آلفای کرونباخ آن را ۰/۸۵ گزارش کردند. در ایران نیز پاکدامن (۱۳۸۰) آلفای کرونباخ آن را ۰/۹۵ بدست آورد و روایی آن را ۰/۹۰ گزارش کرد. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ ۰/۷۳ بدست آمد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان به ترتیب ۲۴/۹۰ و ۴/۸۹ سال بود. دیگر آماره‌های توصیفی در جدول ۱ ارائه شده است.

1. addiction aptitude questionnaire
2. Vide & Bocher
3. attachment style questionnaire
4. Collins & Reed

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
دلبستگی ایمن	۲/۱۶	۰/۵۸	-۰/۱۴	-۰/۵۰
دلبستگی اجتنابی	۱/۸۵	۰/۶۹	-۰/۰۹	-۰/۴۷
دلبستگی اضطرابی	۱/۷۲	۰/۸۸	۰/۱۱	-۰/۶۳
دفاع‌های روان‌شناختی	۲۲/۲۷	۶/۵۴	۰/۵۵	۰/۶۲۹
سردرگمی هویت	۲۲/۴۲	۵/۸۱	-۰/۰۱	-۰/۱۲
آزمون واقعیت	۳۷/۹۲	۱۱/۶۸	۰/۵۵	-۰/۱۳
استعداد اعتیاد	۳۱/۷۱	۱۳/۷۵	۰/۸۵	۰/۶۲

بر اساس نتایج جدول ۱، آماره‌های کجی و کشیدگی متغیرها در دامنه مثبت و منفی ۱ قرار گرفته که نشان می‌دهد توزیع داده‌ها نرمال است. در ادامه پیش‌فرض‌های تحلیل مسیر شامل استقلال خطاها و عدم همخطی چندگانه بررسی گردید. برای بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین - واتسون[1] استفاده شد و آماره این آزمون ۱/۸۴ بدست آمد که نشان از عدم همبستگی بین خطاها بود، زیرا دامنه قابل قبول بین ۱/۵ تا ۲/۵ است. برای بررسی عدم همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین از عامل تورم واریانس[2] و شاخص تحمل[3] استفاده شد که نتایج نشان‌دهنده عدم همخطی بین متغیرهای مستقل بود، زیرا دامنهٔ تورم واریانس کمتر از ۵ و تحمل بالاتر از ۰/۱ و کمتر از ۱ بدست آمد (هر[4] و همکاران، ۲۰۰۹). ماتریس همبستگی بین متغیرها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- دلبستگی ایمن	-						
۲- دلبستگی اجتنابی	-۰/۵۰**	-					
۳- دلبستگی اضطرابی	-۰/۲۰**	۰/۴۷**	-				
۴- دفاع های روان‌شناختی	-۰/۱۹**	۰/۴۳**	۰/۵۴**	-			
۵- سردرگمی هویت	-۰/۱۴*	۰/۳۳**	۰/۵۲**	۰/۶۲**	-		
۶- آزمون واقعیت	-۰/۱۸**	۰/۳۳**	۰/۳۶**	۰/۵۲**	۰/۴۲**	-	
۷- استعداد اعتیاد	-۰/۲۲**	۰/۲۵**	۰/۳۸**	۰/۴۵**	۰/۴۱**	۰/۵۵**	-

* $p < ۰/۰۵$. ** $p < ۰/۰۱$.

1. Durbin Watson
2. variance inflation factor
3. tolerance
4. Hair

سال بیستم، شماره ۷۹، بهار ۱۴۰۵
Vol. 20, No. 79, Spring 2026

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که دلبستگی ایمن با دفاع‌های روان‌شناختی، سردرگمی هویت، آزمون واقعیت و استعداد اعتیاد رابطه منفی و معناداری داشت (۰/۰۱ یا ۰/۰۵ >p). دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با دفاع‌های روان‌شناختی، سردرگمی هویت، آزمون واقعیت و استعداد اعتیاد رابطه مثبت و معناداری داشتند (۰/۰۱ >p). دفاع‌های روان‌شناختی، سردرگمی هویت، آزمون واقعیت نیز رابطه مثبت و معناداری با استعداد اعتیاد داشتند (۰/۰۱ >p).

جهت تعیین برازش کلی مدل، شاخص‌های برازش مختلفی مدنظر قرار گرفت. شاخص‌های برازش مدل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌های برازندگی الگو	خی دو	درجه آزادی	خی دو بر درجه آزادی	نیکویی برازش	برازش افزایشی	برازش تطبیقی	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی
دامنه پذیرش	-	-	۳<	۰/۹>	۰/۹>	۰/۹>	۰/۰۸<
مقادیر بدست‌آمده	۱۲۹/۳۷	۵۳	۲/۴۴	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۹۸	۰/۰۷۹

برای شاخص برازندگی خی دو بر درجه آزادی، مقادیر کوچک‌تر از ۳ مناسب و هرچقدر به صفر نزدیک‌تر باشد حاکی از برازش خوب الگو می‌باشد. در مدل حاضر این شاخص در محدوده قابل قبول قرار داشت. برای شاخص‌های نیکویی برازش[1]، برازش افزایشی[2] و برازش تطبیقی[3] مقدار نزدیک به ۰/۹۰ و بالاتر به عنوان برازش قابل قبول تلقی می‌شود (هو و بنتلر[4]، ۱۹۹۹) که شاخص‌های ذکر شده در جدول ۳ بیشتر از ۰/۹۰ بودند که نشان‌دهنده مناسب بودن برازش مدل بود. در ارتباط با شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی[5] در مدل پژوهش حاضر ۰/۰۷۹ بدست آمد که مقادیر نزدیک به ۰/۰۵ یا کمتر نشان‌دهنده برازش خوب الگو و مقدار ۰/۰۸ یا کمتر بیانگر برازش قابل قبول است (هو و بنتلر، ۱۹۹۹). در کل، برازش مدل مورد تایید قرار گرفت. ضرایب مستقیم استاندارد روابط بین متغیرها در شکل ۱ و جدول ۴ ارائه شده است.

1. goodness of fit index (GFI)
2. incremental fit index (IFI)
3. comparative fit index (CFI)
4. Hu & Bentler
5. root mean square error of approximation (RMSEA)

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

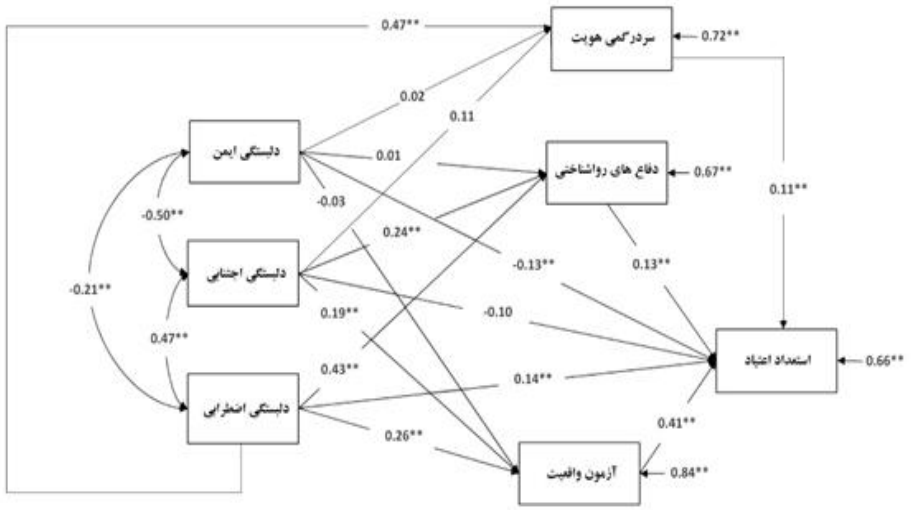

شکل ۱: ضرایب استاندارد روابط مستقیم بین متغیرهای پژوهش (۰/۰۵ > p **)

جدول ٤: ضرایب استاندارد اثرات مستقیم

مسیر	اثر مستقیم	t	معناداری
اثر دلبستگی ایمن بر استعداد اعتیاد	-۰/۱۳	-۲/۳۹	p<۰/۰۵
اثر دلبستگی اجتنابی بر استعداد اعتیاد	۰/۱۰	۱/۶۲	p>۰/۰۵
اثر دلبستگی اضطرابی بر استعداد اعتیاد	۰/۱۴	۲/۱۶	p<۰/۰۵
اثر دلبستگی ایمن بر دفاع‌های روان‌شناختی	۰/۰۱	۰/۱۹	p>۰/۰۵
اثر دلبستگی اجتنابی بر دفاع‌های روان‌شناختی	۰/۲۴	۳/۸۴	p<۰/۰۵
اثر دلبستگی اضطرابی بر دفاع‌های روان‌شناختی	۰/۴۳	۷/۹۹	p<۰/۰۵
اثر دلبستگی ایمن بر سردرگمی هویت	-۰/۰۲	۰/۲۸	p>۰/۰۵
اثر دلبستگی اجتنابی بر سردرگمی هویت	۰/۱۱	۱/۷۹	p>۰/۰۵
اثر دلبستگی اضطرابی بر سردرگمی هویت	۰/۴۷	۸/۳۹	p<۰/۰۵
اثر دلبستگی ایمن بر آزمون واقعیت	-۰/۰۳	-۰/۴۷	p>۰/۰۵
اثر دلبستگی اجتنابی بر آزمون واقعیت	۰/۱۹	۲/۷۸	p<۰/۰۵
اثر دلبستگی اضطرابی بر آزمون واقعیت	۰/۲۶	۴/۳۵	p<۰/۰۵
اثر دفاع‌های روان‌شناختی بر استعداد اعتیاد	۰/۱۳	۲/۱۹	p<۰/۰۵
اثر سردرگمی هویت بر استعداد اعتیاد	۰/۱۱	۲/۰۲	p<۰/۰۵
اثر آزمون واقعیت بر استعداد اعتیاد	۰/۴۱	۷/۸۸	p<۰/۰۵

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

بر اساس نتایج شکل ۱ و جدول ۴، دلبستگی ایمن به صورت منفی و دلبستگی اضطرابی به طور مثبت اثر مستقیم معناداری بر استعداد اعتیاد داشتند (p<۰/۰۵)، در حالی که دلبستگی اجتنابی چنین اثر معناداری نداشت (p>۰/۰۵). دلبستگی ایمن ارتباط مستقیم معناداری با سه مولفه سازمان شخصیت (آزمون واقعیت، سردرگمی هویت، و دفاع‌های روان‌شناختی) نداشت (p> ۰/۰۵)، در حالی که دلبستگی اضطرابی و اجتنابی ارتباط مستقم مثبت معناداری با آزمون واقعیت و دفاع‌های روان‌شناختی داشتند (p<۰/۰۵). به علاوه، دلبستگی اضطرابی، نه دلبستگی اجتنابی، ارتباط مستقیم مثبت معناداری با سردرگمی هویت داشت (p<۰/۰۵). سه مولفه سازمان شخصیت نیز به نوبه خود ارتباط مستقیم مثبت معناداری با استعداد اعتیاد داشتند (p<۰/۰۵). جهت بررسی معناداری اثرات غیر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر استعداد اعتیاد از طریق نقش میانجی سازمان شخصیت از روش سوبل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵: اثرات استاندارد غیر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر استعداد اعتیاد از طریق نقش میانجی سازمان شخصیت

مسیرها	ضریب استاندارد	t	معناداری
دلبستگی ایمن ← دفاع‌های روان‌شناختی ← استعداد اعتیاد	۰/۰۰۱	۰/۲۹۴	p>۰/۰۵
دلبستگی اجتنابی ← دفاع‌های روان‌شناختی ← استعداد اعتیاد	۰/۰۳	۴/۱۴۲	p<۰/۰۵
دلبستگی اضطرابی ← دفاع‌های روان‌شناختی ← استعداد اعتیاد	۰/۰۶	۷/۶۳۱	p<۰/۰۵
دلبستگی ایمن ← سردرگمی هویت ← استعداد اعتیاد	۰/۰۰۲	۰/۳۴۵	p>۰/۰۵
دلبستگی اجتنابی ← سردرگمی هویت ← استعداد اعتیاد	۰/۰۱۲	۱/۹۸۰	p<۰/۰۵
دلبستگی اضطرابی ← سردرگمی هویت ← استعداد اعتیاد	۰/۰۵	۶/۸۶۶	p<۰/۰۵
دلبستگی ایمن ← آزمون واقعیت ← استعداد اعتیاد	-۰/۰۱	۱/۱۸۲	p>۰/۰۵
دلبستگی اجتنابی ← آزمون واقعیت ← استعداد اعتیاد	۰/۰۸	۵/۹۲۳	p<۰/۰۵
دلبستگی اضطرابی ← آزمون واقعیت ← استعداد اعتیاد	۰/۱۱	۲/۹۳۵	p<۰/۰۵

مطابق نتایج آزمون سوبل، اثر غیر مستقیم دلبستگی ایمن بر استعداد اعتیاد با میانجیگری دفاع‌های روانشناختی، سردرگمی هویت و آزمون واقعیت از نظر آماری معنادار نبود (p>۰/۰۵). اثرات غیر مستقیم دلبستگی اجتنابی و اضطرابی بر استعداد اعتیاد

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

از طریق نقش میانجیگری دفاع‌های روان‌شناختی، سردرگمی هویت و آزمون واقعیت از نظر آماری معنادار بودند (p<۰/۰۵).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی سازمان شخصیت در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و استعداد به اعتیاد انجام شد. نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با سطوح سازمان شخصیت (دفاع‌های روان‌شناختی، سردرگمی هویت، آزمون واقعیت) رابطه مستقیمی وجود نداشت. نتایج حاصل از یافته‌ها با پژوهش ساهین[1] و همکاران (۲۰۲۴) همسو است. در تبیین این نتیجه باید گفت که داشتن دلبستگی ایمن با مراقبین در سنین ابتدایی منجر به شکل‌گیری اعتماد در افراد می‌شود و قابل اعتماد بودن با حفظ ثبات هیجانی در ارتباط است و افراد بر این باور نیستند که هر لحظه ممکن است داشته‌ها و ارتباطاتشان از دست برود. بنابراین، به دلیل داشتن ارتباطات امن و قابل اطمینان و باور به دریافت حمایت‌های اجتماعی در شرایط بحرانی از جانب عزیزان اضطراب و افسردگی کمتری را نیز تجربه می‌کنند. در نتیجه، تجربه امن بودن محیط پیرامون و داشتن معیارهای لازم از سلامت روان باعث می‌گردد که ایشان از دفاع‌های روان‌شناختی سطح پایین استفاده نکنند و همچنین دچار سردرگمی هویت نشوند. همچنین افراد با دلبستگی ایمن رفتارهای تکانشی ندارند و این نشانه‌ای است که ایشان در آزمون واقعیت هم مشکلی را تجربه نمی‌کنند (کرنبرگ، ۲۰۲۲).

نتایج نشان داد که بین دلبستگی اجتنابی با دفاع‌های روان‌شناختی و آزمون واقعیت ارتباط مثبت و معنادار وجود داشت و بین دلبستگی اجتنابی با سردرگمی هویت رابطه معناداری یافت نشد که با پژوهش ساهین و و همکاران (۲۰۲۴) همسو است. در تبیین نتایج باید گفت افراد با دلبستگی اجتنابی دیگران را غیر قابل اعتماد قلمداد می‌کنند و به همین خاطر خود را از دریافت حمایت اجتماعی محروم می‌کنند. در واقع، این افراد به دلیل مراقبت‌های ناسازگاری که درگذشته دریافت کرده‌اند از صمیمیت با دیگران در آینده اجتناب می‌کنند. افراد با دلبستگی اجتنابی به دلیل داشتن روابط اجتماعی ضعیف و عدم

1. Şahin

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

دریافت حمایت اجتماعی از پریشانی روانی بیشتری در رنج هستند. به همین خاطر ایشان در مواجهه با چالش‌ها آسیب‌پذیرتر هستند (جیتایوز و کارل[1]، ۲۰۲۲) و از همین رو در هنگام شرایط بحرانی بیشتر از دفاع‌های روان‌شناختی استفاده می‌کنند. در خصوص ارتباط دلبستگی اجتنابی با آزمون واقعیت باید گفت که افراد با آزمون واقعیت مختل از مشکلات خفیف در خواندن نشانه‌های اجتماعی، درک قراردادهای اجتماعی و ادراک از احساسات دیگران و مدیریت هیجانی خود دچار مشکل هستند (مالافانتی[2] و همکاران، ۲۰۲۴) و افراد با دلبستگی اجتنابی به دلیل دوری از موقعیت‌های عاطفی در ادراک عواطف دیگران مشکلاتی را تجربه می‌کنند. رابطه‌ی دلبستگی اجتنابی و سردرگمی هویت به طور خاص در زمینه‌ی تعادل هیجانی و ثبات عاطفی قابل تبیین است. افراد با دلبستگی اجتنابی معمولاً در مواجهه با روابط و تعاملات عاطفی تمایل دارند تا احساسات خود را سرکوب کرده یا از آن‌ها فاصله بگیرند، به‌گونه‌ای که تجربیات هیجانی کمتری را در مقایسه با افراد با دلبستگی ایمن یا دلبستگی وابسته به نمایش می‌گذارند. این ویژگی باعث می‌شود که دلبستگی اجتنابی با ثبات هیجانی همراه باشد و فرد از تنش‌های عاطفی و تجربیات شدید هیجانی که می‌تواند موجب سردرگمی هویت شود دور بماند. در واقع، سردرگمی هویت اغلب به دلیل بی‌ثباتی هیجانی و عدم توانایی در پردازش و مدیریت تجربیات هیجانی پیچیده بروز می‌کند. در حالی که افراد با دلبستگی اجتنابی به دلیل عدم دخالت در دنیای هیجانی خود قادر به ایجاد ثبات عاطفی و هویتی هستند و در نتیجه با چالش‌های هویتی کمتری روبرو می‌شوند.

به علاوه، نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی اضطرابی با سطوح سازمان شخصیت (دفاع‌های روان‌شناختی، سردرگمی هویت، آزمون واقعیت) رابطه مثبت وجود داشت. نتایج حاصل از این یافته با پژوهش ساهین و و همکاران (۲۰۲۴) همسو است. در تبیین نتیجه باید گفت که افراد با دلبستگی اضطرابی در مواجهه با چالش ترس و نشخوار فکری بیشتری را تجربه می‌کنند که منجر به پریشانی روانی و آسیب‌پذیرتر شدن ایشان در برابر

1. Jittayuthd & Karl
2. Malafanti

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

مشـــکلات می‌شـــود (کراتزیاس[1] و همکاران، ۲۰۲۱) و به همین خاطر بیشـــتر از دفاع‌های روان‌شناختی جهت سازگاری با استرس موجود استفاده می‌کنند. همچنین، از آنجایی‌که بر طبق نظر کرنبرگ (۲۰۲۲) دلبســتگی اضــطرابی یکی از پیشــایندهای شــخصــیت مرزی و بی‌ثباتی عاطفی و بی‌ثباتی هیجانی یکی از ملاک‌های ســـردرگمی هویت اســـت، بین دلبســـتگی اضـــطرابی و ســـردرگمی هویت رابطه وجود دارد. همچنین، نقص در آزمون واقعیت ممکن است منجر به ناتوانی عاطفی و رفتار تکانشی شود (کاواکس[2] و همکاران، ۲۰۲۱) که افراد با دلبســـتگی اضـــطرابی به خاطر تجربه مداوم بی‌ثباتی هیجانی در طول زندگی بیشتر در معرض مشکلات عاطفی و بروز رفتارهای تکانشی و پرخاشگرانه هستند.

نتایج حاصـل از پژوهش همچنین نشـان داد که رابطه دلبسـتگی ایمن با اسـتعداد اعتیاد منفی و رابطه دلبســتگی اضــطرابی با اســتعداد اعتیاد مثبت بود، و بین دلبســتگی اجتنابی با اســـتعداد اعتیاد رابطه وجود نداشـــت. نتایج این بخش از پژوهش با پژوهش‌های ســـادات ســـاعتچی و همکاران (۱۴۰۱)، ناخول[3] و همکاران (۲۰۲۰)، زدانکویچ-اســـکیگالا و اسکیگالا[4] (۲۰۲۰)، فلچر و همکاران (۲۰۱۵)، سیهان و همکاران (۲۰۱۴)، و دیویدسون و ایرلند (۲۰۰۹) همسو است. در تبیین نتایج می‌توان گفت که افراد با دلبستگی ایمن به دلیل احســـاس امنیت و قابلیت اعتماد در روابط بین‌فردی خود کمتر در معرض اســـتفاده از مکانیسم‌های دفاعی هیجانی برای مقابله با چالش‌ها هستند و تمایلی به پناه بردن به اعتیاد به عنوان راهی برای فرار از مشـــکلات ندارند. این افراد به دلیل ســـاختار دلبســـتگی ســـالم و احساس اطمینان از حمایت اجتماعی قادرند به طور مستقیم و سازنده به مسائل روان‌شناختی و هیجانی خود پرداخته و در شرایط بحرانی از راه‌حل‌های سالم‌تری استفاده کنند. در مورد ارتباط مثبت بین سبک دلبستگی دوسوگرا و استعداد به اعتیاد باید تأکید کرد که اعتیاد در این افراد به عنوان یک اختلال در ساختار دلبستگی عمل می‌کند. این افراد به دلیل احساس بیگانگی از خود و دیگران و ناتوانی در ایجاد روابط پایدار و اطمینان‌بخش ممکن اســـت برای مدیریت اضـــطراب‌های ناشـــی از ترس‌های درونی خود به مواد مخدر پناه برند. مواد

1. Karatzias
2. Kovács
3. Nakhoul
4. Zdankiewicz-Ścigała & Ścigała

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

مخدر برای آن‌ها راهی برای فرار از احساسات منفی و اضطراب‌های ناشی از بی‌اعتمادی به دیگران و عدم توانایی در تنظیم هیجانات است (پارولین و سیمونلی[1]، ۲۰۱۶). همچنین، در مورد عدم ارتباط بین دلبستگی اجتنابی و استعداد به اعتیاد باید گفت که افراد با این سبک دلبستگی معمولاً از ترس از آسیب و دگرگونی‌های ناشی از تجربه‌های عاطفی شدید تمایلی به مواجهه با ناشناخته‌ها ندارند و به همین دلیل از خطرات احتمالی مصرف مواد مخدر می‌هراسند. این افراد به جای روی‌آوردن به مواد ترجیح می‌دهند که با اجتناب از تجربیات هیجانی پیچیده به نوعی از اضطراب و استرس خود فاصله بگیرند.

در بخش دیگری نتایج نشان داد که بین سطوح سازمان شخصیت (دفاع‌های روان‌شناختی، سردرگمی هویت، آزمون واقعیت) با استعداد اعتیاد رابطه وجود داشت. این نتایج با پژوهش‌های آناتاسوف و ساوف[2] (۲۰۱۶) همسو است. بر اساس رویکرد تبادلی اعتقاد بر این است که سازمان شخصیت و دفاع‌های روان‌شناختی نخستین بر میزان استرس افراد تأثیر می‌گذارد و افرادی که نمرات بالایی در زمینه دفاع‌های روان‌شناختی نخستین کسب می‌کنند استرس بیشتری را تجربه می‌کنند (شمس‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۲). تجربه استرس میزان تاب‌آوری افراد را کاهش داده و به هنگام بروز مشکلات احتمال اعتیاد را در افراد افزایش می‌دهد، زیرا که استفاده مکرر از دفاع‌های روان‌شناختی نخستین عواطف منفی را در افراد تقویت کرده و به واسطه این عواطف کنترل استرس سخت می‌شود و افراد برای فرار از درد ناشی از عواطف منفی و استرس ممکن است به مصرف مواد روی بیاورند. در خصوص افراد دچار سردرگمی هویت باید گفت ایشان دارای احساسی پراکنده از خود هستند. آنها اغلب بین حفظ مرزهای بین خود و دیگران و تلاش برای تمایز خود از دیگران در نوسان هستند (اسمیت، ۲۰۱۸). این افراد دچار بی‌ثباتی عاطفی، خلق، رفتار و مشکلات مربوط به روابط موضوعی مشخص شده هستند و این افراد آسیب‌پذیر، سردرگم و دفاع‌های ناکارآمدی را به کار می‌برند (میلون و همکاران، ۲۰۱۲). به همین خاطر نمی‌توانند احساس منسجم و هویت یکپارچه‌ای از خود را تشکیل دهند. بر

1. Parolin & Simonelli
2. Atanassov & Savov

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

اساس الگوی سازمان شخصیت اتو کرنبرگ، افزایش نفوذ هیجانات شدید ناپخته که فاقد انسجام هستند اغلب در ارتباط با پریشانی‌های عاطفی و رفتارهای مرتبط با آن تظاهرات خشم و رفتارهای خود مخربانه تکانشی (اروللینگ-بونتکو[1] و همکاران ۲۰۱۰) از خود نشان می‌دهند و یکی از این رفتارهای تکانشی خودمخربانه مصرف مواد است. افراد با آزمون واقعیت پایین دارای ظرفیت قابل قبولی برای سنجش واقعیت پایدار نیستند. در نتیجه، توانایی تشخیص آنچه واقعی است از آنچه نیست را ندارند. در واقع، ایشان اغلب گرایش زیادی به سمت زندگی ندارند و به طورکلی قادر به پروراندن آرزوها و اهداف واقع‌بینانه خویش نیستند (اسمیت، ۲۰۱۸) و به همین خاطر برای آینده خود برنامه‌ریزی نمی‌کنند و در تکاپو برای یافتن معنا و رسیدن به آمال و آرزوهای خویش نیستند و از همین رو در مواجه با چالش‌های زندگی تاب‌آوری پایینی دارند و به حل مشکلات باور ندارند و به فکر فرار از مشکلات از طریق مصرف مواد هستند.

در نهایت، در خصوص اثر غیر مستقیم دلبستگی ایمن بر استعداد اعتیاد با نقش میانجی‌گری سطوح سازمان شخصیت (دفاع‌های روان‌شناختی، سردرگمی هویت، آزمون واقعیت) باید گفت که این مدل رد شد و با پژوهش‌های ساهین و همکاران (۲۰۲۴) و ناخول و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین نتایج باید گفت که دلبستگی ایمن باعث می‌گردد که فرد جهان را قابل اعتماد تصور نماید و از همین رو از دفاع‌های بالغ‌تری حین شرایط استرس‌زا استفاده کند و بی‌ثباتی عاطفی افراد دچار سردرگمی هویت و رفتارهای تکانشی افراد دچار فقدان آزمون واقعیت را از خود نشان نمی‌دهد، زیرا همه چیز را مثبت تصور می‌کند و انتظار رخ‌دادن پیشایندهای بد را ندارد و از همین رو کمتر مضطرب شده و فقدان اضطراب و وجود امنیت روانی سبب بی‌میلی به مصرف مواد در ایشان می‌شود. اما در خصوص دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا باید گفت که سطوح سازمان شخصیت میان این دو سبک دلبستگی با استعداد اعتیاد نقش میانجی ایفا کردند و با پژوهش‌های سادات ساعتچی و همکاران (۱۴۰۱)، ساهین و همکاران (۲۰۲۴)، ناخول و همکاران (۲۰۲۰)،

1. Eurelings-Bontekoe

سال بیستم، شماره ۷۹، بهار ۱۴۰۵
Vol. 20, No. 79, Spring 2026

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

زدانکویچ-اسکیگالا و اسکیگالا (۲۰۲۰)، فلچر و همکاران (۲۰۱۵)، سیهان و همکاران (۲۰۱۴)، و دیویدسون و ایرلند (۲۰۰۹) همسو است. در تبیین این نتایج باید گفت که آسیب‌های اولیه و دلبستگی‌های ناایمن سبب ایجاد گسترده دفاع‌های روان‌شناختی نخستین می‌شود. دفاع‌های روان‌شناختی نخستین تعاملات فرد را مخدوش می‌کند و نحوه عملکرد را به خطر می‌اندازد (کاواکس و همکاران، ۲۰۲۱). بدرفتاری دوران کودکی منجر به تغییرات زیستی مرتبط با سیستم استرس می‌شود و در نتیجه سبب آسیب به خود می‌شود. ترکیب این مسیرها نشان می‌دهد که اختلال در روابط ابژه یا بدرفتاری دوران کودکی بر بازنمایی خود، سبک دلبستگی و فرایندهای زیستی تأثیر دارد که به نوبه خود بر مشکلات هیجان تأثیر می‌گذارند (کریستوفرو و فریرا[1]، ۲۰۲۲) و مشکلات عاطفی با مصرف مواد مرتبط است (کدزیور[2] و همکاران، ۲۰۲۴).

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به عدم دسترسی پژوهشگر به دانشجویان پسر اشاره نمود. این پژوهش تنها بر روی دانشجویان دختر به انجام رسید و به همین خاطر در تعمیم نتایج به جامعه پسران باید احتیاط کرد. از این رو، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی جهت تعمیم‌پذیری بهتر از هر دو جنس زن و مرد یا پسر و دختر در نمونه‌ها استفاده شود. از دیگر محدودیت‌های این تحقیق می‌توان به طرح مقطعی این مطالعه اشاره کرد که امکان نتیجه‌گیری علت و معلولی را غیر ممکن می‌سازد و این تحقیق باید به صورت یک طرح طولی نیز تکرار شود تا امکان تبیین علت و معلولی نتایج را ممکن سازد. در کل، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که استعداد اعتیاد نتیجه ترکیبی از عوامل گوناگون است که مهم‌ترین آن‌ها کمبود یا فقدان نشانه‌های رفتاری دلبستگی ایمن در بزرگسالان است. بنابراین، هر چه روابط صمیمی با خانواده بیشتر باشد میزان گرایش به مصرف مواد مخدر کاهش می‌یابد و همچنین هر اندازه میزان دلبستگی ناایمن‌تر باشد احتمال شکل‌گیری سازمان‌های شخصیت مرزی و آسیب‌پذیر و در نهایت گرایش به سمت اعتیاد افزایش می‌یابد. در نتیجه، مطابق نتایج پیشنهاد می‌گردد که در زمینه درمان

1. Christoforou & Ferreira
2. Kedzior

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

اعتیاد درمانگران به سبک‌های دلبستگی و سازمان شخصیت نیز جهت درمان اعتیاد توجه بیشتری داشته باشند.

تشکر و قدردانی

پژوهشگر مراتب قدردانی خود را از تمام کسانی که در انجام این پژوهش او را یاری رساندند اعم از دانشجویان عزیز و استادان گران قدر اعلام می دارد.

منابع

ارباب، حمزه؛ میرزاحسینی، حسن و منیرپور، نادر (۱۳۹۸). پیش‌بینی عود مصرف مواد بر اساس آسیب‌های دوران کودکی: نقش میانجی بیگانگی روابط موضوعی، سازمان شخصیت مرزی و افسردگی. *روان‌شناسی بالینی*، ۴(۴۴)، ۱۲-۱.

آسمانی کناری، محسن؛ چنگی آشتیانی، جواد و جلالی، عادله (۱۳۹۸). تجربه زیسته خانواده‌های معتادان از انگ بیماری: یک مطالعه کیفی. *مجله علوم پزشکی رازی*، ۲۶(۶)، ۱۳۶-۱۲۷.

انفعال، نوید؛ امیدوار، بنفشه و زارع‌نژاد، محمد (۱۴۰۰). پیش‌بینی صفات سازمان شخصیت مرزی بر اساس ترومای دوران کودکی و جو عاطفی خانواده در افراد معتاد به مواد مخدر. *مجله علمی پژوهان*، ۱۹(۳)، ۱۱-۱. https://doi.org/10.61186/psj.19.3.1

پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی*. پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی، دانشگاه تهران.

حفاظی طرقبه، لیلا و فکریان آرانی، سمیه (۱۴۰۳). تحلیل تشخیصی افراد با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور بر اساس سبک‌های دلبستگی، تجارب آسیب‌زای کودکی و ایده‌پردازی خودکشی. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۸(۷۴)، ۲۰۲-۱۸۱. https://doi.org/10.22034/ETI.18.74.181

خدادادیان، محمدرضا؛ کرمی، جهانگیر و یزدانبخش، کامران (۱۳۹۸). پیش‌بینی استعداد اعتیاد بر اساس خودتنظیمی ارادی و تحول مثبت نوجوانی در دانش‌آموزان دورهٔ دوم متوسطهٔ شهر کرمانشاه. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۳(۵۴)، ۱۲۵-۱۰۹.

زرگر، یدالله (۱۳۸۵)، *مقیاس اعتیادپذیری*. دومین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران، تهران.

سادات ساعتچی، هاله؛ تیزدست، طاهر و رحمانی، محمدعلی (۱۴۰۱). مدل تبیین نگرش به اعتیاد مراجعین در حال ترک بر اساس سبک‌های دلبستگی با نقش واسطه‌ای ظرفیت ایگو. *مجله*

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

دانشکده پزشکی، *۶۵*(۵)، ۲۰۰۷-۱۹۹۴.
https://doi.org/10.22038/MJMS.2022.21856

شاکر، لیلا (۱۳۹۷)، *پیش‌بینی عود سوء مصرف مواد بر اساس سازمان شخصت، قدرت ایگو و کیفیت روابط ابژه ای در افراد معتاد اقدام به ترک شهر قم*. پایان‌نامه کارشناشی ارشد، روان-شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

شاکری، زهرا؛ چوب‌فروش‌زاده، آزاده؛ رضاپور میرصالح، یاسر و صحراییان، کیمیا (۱۴۰۴). بررسی کیفی الگوی کنترل والدین بر اساس نظریه انتخاب گلاسر در جوانان مصرف‌کننده مواد. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، *۱۹*(۷۵)، ۱۳۴-۱۰۳.
https://doi.org/10.22034/ETI.19.75.103

شریفی‌نیا، محمدحسین؛ رحیمی یگانه، زهرا و رحیمی دستجردی، محمد (۱۴۰۰). پیش‌بینی شیوه‌های ناکارآمد حل مسئله بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در افراد وابسته به مواد. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، *۱۵*(۶۰)، ۲۵۲-۲۳۱.
https://doi.org/10.52547/etiadpajohi.15.60.231

شمس‌آبادی، احمد؛ آهی، قاسم؛ بحرینیان، سید عبدالحمید؛ منصوری، احمد و شهابی‌زاده، فاطمه (۱۴۰۲). نقش میانجی دشواری در تنظیم هیجان و سازمان شخصیت در رابطه بین روابط ابژه با خودزنی‌های غیرخودکشی دانشجویان. *رویش روان‌شناسی*، *۱۲*(۶)، ۱۶۲-۱۵۱.

صرامی، حمید؛ قربانی، مجید و مینویی، محمود (۱۳۹۲). بررسی چهار دهه تحقیقات شیوع‌شناسی اعتیاد در ایران. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، *۷*(۲۶)، ۵۲-۲۹.

غلامی‌آبیز، محسن؛ حلیمه، عنایت و احمدی، حبیب الله (۱۴۰۰). کاوش کیفی بسترها و پیامدهای اعتیاد زنان خراسان جنوبی. *زن و جامعه*، *۱۲*(۴۶)، ۹۱-۱۰۵.
https://doi.org/10.30495/JZVJ.2021.25899.3348

فرجاد، مریم؛ محمدی، نورالله؛ رحیمی، چنگیز و هادیان فرد، حبیب (۱۳۹۲). سازمان شخصیت افراد با نشانه‌های وسواس، افسردگی، افسردگی همراه با وسواس و به هنجار. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*. ۳(۲)، ۵۰-۳۷.
https://doi.org/10.22067/IJAP.V3I2.11429

فلاح؛ بهار؛ قربان شیرودی؛ شهره و زربخش بحری، محمدرضا (۱۳۹۷). عوامل پایداری در ترک: نتایج تجارب زیسته معتادان مرد بهبودیافته از عدم بازگشت به مصرف مواد. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۵(۱۷)، ۱۰۸-۵۷. https://doi.org/10.22054/rjsw.2018.11895

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

میرز، لارونس؛ گامینو، گلن و گارینو، جی (۱۳۹۹). *پژوهش چندمتغیری کاربردی (طرح و تفسیر)*. ترجمه حسن آبادی، حمیدرضا. پاشا شریفی، حسن، ایرانلو، بلال. حبیبی، مجتبی. تهران: انتشارات رشد.

References

Aaronson, C. J., Bender, D. S., Skodol, A. E., & Gunderson, J. G. (2006). Comparison of attachment styles in borderline personality disorder and obsessive-compulsive personality disorder. *Psychiatric Quarterly*, *77*(1), 69-80. https://doi.org/10.1007/s11126-006-7962-x

Atanassov, N., & Savov, S. (2016). Mentalization and personality organization in heroin addicted patients: A narrative analysis. *Language and Psychoanalysis*, *5*(1), 14-30. https://doi.org/10.7565/landp.v5i1.1552

Burgkart, P. L., Vuzic, X., Fuchshuber, J., & Unterrainer, H. F. (2022). Attachment styles, personality organization, and substance use as predictors of emotion regulation strategies "suppression" and "reappraisal" in young adults. *Frontiers in Psychiatry*, *12*, 786045. https://doi.org/10.3389/fpsyt.2021.786045

Chalana, H., Kundal, T., & Malhari, A. S. (2017). Depression as a Risk Factor for Relapse After Inpatient Opioid Detoxification: 1-Year Follow-Up Study. *Journal of High Risk Behaviors and Addiction*, 6(3): e59543. https://doi.org/10.5812/ijhrba.59543

Christoforou, R., & Ferreira, N. (2022). The serial mediational role of attachment and emotion regulation in the relationship between early life adverse experiences and self-harm in a group of individuals engaging in self-harm who interact in self-harm focused online platforms. *European Journal of Trauma & Dissociation*, *6*(3), 100259. https://doi.org/10.1016/j.ejtd.2022.100259

Cihan, A., Winstead, D. A., Laulis, J., & Feit, M. D. (2014). Attachment theory and substance abuse: Etiological links. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, *24*(5), 531-537. https://doi.org/10.1080/10911359.2014.908592

Davidson, S., & Ireland, C. (2009). Substance misuse: the relationship between attachment styles, personality traits and coping in drug and non-drug users. *Drugs and Alcohol Today*, *9*(3), 22-27. https://doi.org/10.1108/17459265200900027

Eurelings-Bontekoe, E. H., Luyten, P., IJssennagger, M., van Vreeswijk, M., & Koelen, J. (2010). Relationship between personality organization and Young's cognitive model of personality pathology. *Personality and Individual Differences*, *49*(3), 198-203. https://doi.org/10.1016/j.paid.2010.03.034

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

Fisher, L. A., Elias, J. W., & Ritz, K. (1998). Predicting relapse to substance abuse as a function of personality dimensions. *Alcoholism: Clinical and Experimental Research*, *22*(5), 1041-1047. https://doi.org/10.1111/j.1530-0277.1998.tb03696.x

Fletcher, K., Nutton, J., & Brend, D. (2015). Attachment, a matter of substance: The potential of attachment theory in the treatment of addictions. *Clinical Social Work Journal*, *43*(1), 109-117. https://doi.org/10.1007/s10615-014-0502-5

Gaber, O. H., & Abelfatah, M. E. (2016). Relationship between personality disorders and relapses among sample of substance abuse patients. *J Psychol Clin Psychiatry*, *6*(6), 00381. https://doi.org/10.15406/jpcpy.2016.06.00381

Hair, J.F., Black, W.C., Babin, B.J., & Anderson, R.E. (2009). *Multivariate Data Analysis: A Global Perspective*, 7th edition. Prentice Hall, New York.

Hanif, R., Kliewer, W., & Riaz, R. (2019). Personality traits differentiate Pakistani males in recovery versus relapse from substance use disorders. *Personality and Individual Differences*, *141*, 226-228. https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.01.025

Hu, L. T., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling: A Multidisciplinary Journal*, *6*(1), 1-55. https://doi.org/10.1080/10705519909540118

Jittayuthd, S., & Karl, A. (2022). Rejection sensitivity and vulnerable attachment: associations with social support and PTSD symptoms in trauma survivors. *European Journal of Psychotraumatology*, *13*(1), 2027676. https://doi.org/10.1080/20008198.2022.2027676

Karatzias, T., Shevlin, M., Ford, J. D., Fyvie, C., Grandison, G., Hyland, P., & Cloitre, M. (2022). Childhood trauma, attachment orientation, and complex PTSD (CPTSD) symptoms in a clinical sample: Implications for treatment. *Development and Psychopathology*, *34*(3), 1192-1197. https://doi.org/10.1017/S0954579420001509

Kedzior, S. G., Barrett, S., Muir, C., Lynch, R., Kaner, E., Forman, J. R., ... & McGovern, R. (2024). "They had clothes on their back and they had food in their stomach, but they didn't have me": The contribution of parental mental health problems, substance use, and domestic violence and abuse on young people and parents. *Child Abuse & Neglect*, *149*, 106609. https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2023.106609

Kernberg, O. F. (2022). Some implications of new developments in neurobiology for psychoanalytic object relations theory. *Neuropsychoanalysis*, *24*(1), 3-12. https://doi.org/10.1080/15294145.2021.1995609

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

Kernberg, O. F., & Caligor, E. (2005). A psychoanalytic theory of personality disorders. *Major Theories of Personality Disorder*, *2*, 114-156.

Kernberg, O. F., & Yeomans, F. E. (2013). Borderline personality disorder, bipolar disorder, depression, attention deficit/hyperactivity disorder, and narcissistic personality disorder: practical differential diagnosis. *Bulletin of the Menninger Clinic*, *77*(1), 1-22. https://doi.org/10.1521/bumc.2013.77.1.1

Khosravi, M., & Kasaeiyan, R. (2020). The relationship between neuroticism and suicidal thoughts among medical students: Moderating role of attachment styles. *Journal of Family Medicine and Primary Care*, *9*(6), 2680-2687. https://doi.org/10.4103/jfmpc.jfmpc_1200_19

Kovács, L. N., Schmelowszky, Á., Galambos, A., & Kökönyei, G. (2021). Rumination mediates the relationship between personality organization and symptoms of borderline personality disorder and depression. *Personality and Individual Differences*, *168*, 110339. https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110339

Levy, K. N. (2005). The implications of attachment theory and research for understanding borderline personality disorder. *Development and Psychopathology*, *17*(4), 959-986. https://doi.org/10.1017/S0954579405050455

Malafanti, A., Giannouli, E., Yotsidi, V., Sideridis, G., Galanaki, E. P., Clarkin, J. F., ... & Malogiannis, I. (2024). Psychometric properties of the Greek Inventory of Personality Organization–Brief (IPO-Brief-GR) in a community sample of emerging adults. *Current Research in Behavioral Sciences*, *6*, 100150. https://doi.org/10.1016/j.crbeha.2024.100150

Millon, T., Millon, C. M., Meagher, S. E., Grossman, S. D., & Ramnath, R. (2012). *Personality disorders in modern life*. John Wiley & Sons.

Nakhoul, L., Obeid, S., Sacre, H., Haddad, C., Soufia, M., Hallit, R., ... & Hallit, S. (2020). Attachment style and addictions (alcohol, cigarette, waterpipe and internet) among Lebanese adolescents: a national study. *BMC Psychology*, *8*, 33. https://doi.org/10.1186/s40359-020-00404-6

Parolin, M., & Simonelli, A. (2016). Attachment theory and maternal drug addiction: The contribution to parenting interventions. *Frontiers in Psychiatry*, *7*, 152. https://doi.org/10.3389/fpsyt.2016.00152

Şahin, A. B., Kaya, H., Çelik, O., & Saydam, M. B. (2024). Defense mechanisms are effective in attachment styles regardless of personality organization, age, and gender. *Neuropsychiatric Investigation*, *62*(2), 38-44. https://doi.org/10.5152/NeuropsychiatricInvest.2024.23022

Smith, C. L. (2018). Can Attachment Style and Temperament Predict Personality Organization?.

Stepp, S. D., Morse, J. Q., Yaggi, K. E., Reynolds, S. K., Reed, L. I., & Pilkonis, P. A. (2008). The role of attachment styles and interpersonal

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]

problems in suicide-related behaviors. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, *38*(5), 592-607. https://doi.org/10.1521/suli.2008.38.5.592

Summers, F. (2024). *Object relations theories and psychopathology: A comprehensive text*. Routledge.

Zdankiewicz-Ścigała, E., & Ścigała, D. K. (2020). Attachment style, early childhood trauma, alexithymia, and dissociation among persons addicted to alcohol: Structural equation model of dependencies. *Frontiers in Psychology*, *10*, 2957. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.02957

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.22034/ETI.20.79.59]